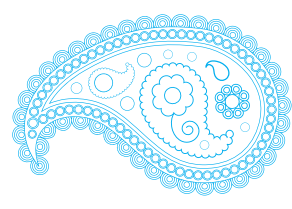


هاینریش کارل بوکوفسکی



شاعر و داستان‌نویس لس آنجلسی است. نوشته‌های بوکوفسکی به شدت تحت تأثیر فضای شهر لس آنجلس است که در آن زندگی می‌کرد. او اغلب به عنوان نویسنده‌ی تأثیرگذار معاصر نام برده می‌شود و سبک او بارها مورد تقلید قرار گرفته است. بوکوفسکی، هزاران شعر، صدها داستان کوتاه و ۶ رمان، و بیش از پنجاه کتاب نوشته و به چاپ رسانده است. بوکوفسکی در سال ۱۹۲۰ در شهر آندرنآخ آلمان در خانواده «هنری کارل بوکوفسکی» به دنیا آمد. مادرش «کاترینا فت» که یک آلمانی اصیل بود، پدرش را که یک آلمانی-آمریکایی بود، بعد از جنگ جهانی اول ملاقات کرد. جد پدری بوکوفسکی در آلمان به دنیا آمدند. بوکوفسکی مدعی است که حاصل یک رابطه‌ی نامشروع است، اما بایگانی آندرنآخ نشان می‌دهد که والدین او به‌راستی یک ماه قبل از تولد او ازدواج کرده‌اند. بعد از فروپاشی اقتصاد آلمان در پی جنگ جهانی اول، خانواده در سال ۱۹۲۳ به بالتیمور رفتند. در زبان آمریکایی، والدین بوکوفسکی او را به اسم «هنری» صدا می‌زدند و تلفظ نام خانوادگی‌شان را از Buk-ov-ski به Buk-cow-ski تغییر دادند. بعد از پس‌انداز پول، خانواده به حومه لس آنجلس رفتند، جایی که خانواده پدری بوکوفسکی زندگی می‌کردند. در دوران کودکی بوکوفسکی، پدرش اغلب بیچار بود و به عقیده بوکوفسکی بد دهن و بد رفتار بود. بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دبیرستان لس آنجلس، بوکوفسکی دو سال در دانشگاه شهر لس آنجلس بود و دوره‌های هنر، روزنامه‌نگاری و ادبیات را گذراند. در ۲۴ سالگی، داستان کوتاه «عواقب یک یادداشت بلند مردود» بوکوفسکی در مجله داستان به چاپ رسید. دو سال بعد، داستان کوتاه «۲۰ تشکر از کاسلدان» منتشر شد. بوکوفسکی نوشتن را با جریان انتشار و رها ساختن



هاینریش کارل بوکوفسکی

نوشتن برای یک دهه آزاد ساخت. در طول این مدت او در لس آنجلس زندگی می‌کرد اما مدتی را در ایالات متحده سرگردان بود. کارهای موقتی می‌کرد و در اتاق‌های ارزان اقامت می‌کرد. در اوایل دهه ۱۹۵۰ بوکوفسکی در اداره پست لس آنجلس به شغل پستی و نامه‌رسان مشغول به کار می‌شود اما بعد از دو سال و نیم آن را رها می‌کند. در ۱۹۵۵ او به خاطر زخم معده تقریباً و خیم بستری می‌شود. وی پس از ترک بیمارستان، شروع به نوشتن شعر کرد. در ۱۹۵۷ با شاعر و نویسنده «باربارا فیری» ازدواج کرد، اما آنها در سال ۱۹۵۹ از هم جدا شدند. فیری اصرار داشت که جدایی آنها هیچ ارتباطی با ادبیات ندارد، اگرچه او اغلب به صورت مشکوک می‌گفت که چیره دستی بوکوفسکی در شاعری است. در پی این جدایی، بوکوفسکی دوباره شراب‌خواری را از سر گرفت و به نوشتن شعر ادامه داد. او، کارش در اداره پست را رها کرد و به نوشتن حرفه‌ای تمام وقت پرداخت. او ۴۹ سالش بود. همان‌طور که در نامه‌ای در آن زمان شرح داده است: «من دو تا انتخاب دارم... در اداره پست بمانم و احمق بشم... یا بیرون از اینجا باشم و وانمود کنم که نویسنده‌ام و گرسنه باشم. من تصمیم گرفتم که گرسنه باشم.» کمتر از یک ماه بعد از ترک اداره پست، اولین رمانش به نام پستخانه را تمام کرد. از آنجا که بوکوفسکی به خاطر حمایت مالی مارتین و اعتمادش به او به عنوان یک نویسنده ناشناخته احترام می‌گذاشت، تقریباً تمام کارهای بعدی خود را به نام بوکوفسکی در هالیوود به چاپ رساند.

پرنده ای آبی در قلب من هست
که می خواهد پر بگیرد
اما درون من خیلی تنگ و تاریک است برای او
می گویمش: آنجا بمان، نمی گذارم کسی ببیندت
پرنده ای آبی در قلب من هست
که می خواهد بیرون شود
اما ویسکی ام را سر می کشم رویش
و دود سیگارم را می بلعم
و فاحشه ها و مشروب فروشی ها و بقال ها
هرگز نمی فهمند که او آنجاست
پرنده ای آبی در قلب من هست که می خواهد بیرون شود
اما درون من خیلی تنگ و تاریک است برای او
می گویم اش: همان پایین بمان
می خواهی آشفته ام کنی؟
می خواهی کارها را قاطی پاتی کنی؟
می خواهی در حراج کتابهایم توی اروپا غوغا به پا کنی؟
پرنده ای آبی در قلب من هست
که می خواهد بیرون شود
اما من بیشتر از این ها زیرک ام
فقط اجازه می دهم، شب ها گاهی بیرون بروم
وقت هایی که همه خوابیده اند
توی چشم هایش نگاه می کنم
می گویمش: می دانم که آنجایی
غمگین باش
آن وقت فرو می دهم اش
اما او آنجا کمی آواز می خواند
نمی گذارمش تا کاملاً بمیرد
و ما با هم به خواب می رویم
انگار که با عهد نهانی مان
و این آن قدر نازنین هست
که مردی را بگیراند
اما من نمی گویم
تو چطور

دیر آمدم
دیر
در نگاه تو،
دیوانه می شوم
در خطوط دستانت
تنها نگاه می شوم

I came late
!! Too late
in my palm line
I will be crazy
and will be all eyes

قاب‌های واژگون / در تردید نگاه
و ماه
که از چشم بیرون می جهد،
و در کف دستانت می نشیند.
هیچ چیز سر جای خودش نیست
تنها من
ایستاده
خوابم!

Upside down frame/
A doubtful look toward moon
Which is jumping out of my eyes
And seating slowly in my palm.
Everything is messed up
Only I sleep when
I am stand-up.

منتظر داستان و اشعار شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به
دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل
ارسال نمایید.
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد
است.
ava.rezaei@tolounews.com

کارشناس (این شماره) سرویس ادبی - هنری: آوا رضایی (فوجی)

رئیس دانشگاه آزاد داریون:

تمرکز بر ارتقای کیفیت آموزشی و مطرح کردن واحد داریون در استانداردهای آموزشی، مهم‌ترین اولویت های این واحد است

کستکو از ماندانا صیفی

مراجعه ننموده ام.
سوابق علمی و پژوهشی خودتان بگویید.
من امیر قانلی، فارغ التحصیل دکتری مهندسی برق-قدرت از دانشگاه صنعتی شریف هستم که نزدیک به ۴ سال است توفیق خدمت به عنوان رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد داریون را دارم.
ارائه بیش از ۵۰ مقاله در کنفرانسهای معتبر داخل و خارج کشور، چاپ بیش از ۱۰ مقاله در مجلات تخصصی مهندسی برق، چاپ بیش از ۱۵ عنوان کتاب، تعداد ۳ اختراع به ثبت رسیده که از جمله فعالیت‌های پژوهشی اینجانب در سالهای اخیر می‌باشد؛ همچنین ریاست نشست و دآوری چندین کشف ملی و بین المللی را بر عهده داشته‌ام.

آیا در بنیاد نخبگان عضویت دارید؟
از جمله افتخارات من کسب رتبه ۷ در کنکور ارشد، رتبه ۱ در کنکور دکترا، رتبه اول دانشجویان کار فعال مهندسی برق قدرت دانشگاه شیراز و رتبه اول دانشجویان کارشناسی ارشد مهندسی برق-الکترونیک قدرت دانشگاه صنعتی شریف می‌باشد که همچنین با توجه به مقالات، کتابها و اختراعات مشمول طرح نخبگی می‌باشم اما با توجه به اینکه به دنبال شهرت نبوده‌ام به بنیاد ملی نخبگان

سوابق مدیریتی و تدریس خود را بیان نمایید.
نزدیک به ۴ سال که ریاست دانشگاه آزاد اسلامی واحد داریون را برعهده دارم. همزمان با ورود به مقطع ارشد در دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۸۵ شروع به تدریس نموده ام؛ همچنین در دانشگاههای صنعتی شریف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون و داریون تدریس نموده ام. از سال ۱۳۸۹ نیز عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد داریون شده ام.

نسبت به سایر روسای دانشگاهها طرح و برنامه های جدیدی داشتید؟
از جمله برنامه هایی که من در دانشگاه آزاد اسلامی واحد داریون بر آنها تمرکز نموده ام:

- ارتقای کیفیت آموزشی و تلاش در جهت مطرح نمودن واحد داریون به عنوان دانشگاهی که استانداردهای آموزشی لازم را داراست.
- ساخت ساختمان آموزشی، استفاده از اساتید با مدرک دکترا و برگزاری منظم کلاسها از جمله برنامه های صورت گرفته در این زمینه بوده است.
- تلاش در جهت ارتقای جایگاه دانشگاه

اگر مطلب خاصی دارید بفرمایید.
در پایان از شما و همکاران پرتلاشستان تشکر و قدردانی می‌نمایم و امیدوارم که دانشگاه آزاد اسلامی واحد داریون بتواند رسالت خود در زمینه ارتقای سطح علمی، پژوهشی و فرهنگی دانشجویان را به نحو مطلوب به اتمام برساند و شاهد افتخار مبین اسلامی مان باشیم.

برنامه ریزی درسی ۱ - برنامه درسی ۲

سید عبدالرحمن اعتماد | رساله دکتری علوم تربیتی گرایش برنامه درسی

از طریق تشویق اساتید و دانشجویان به انجام امور پژوهشی نظیر چاپ مقاله، کتاب و ثبت اختراع

- توجه به امورات فرهنگی در جهت ترویج فرهنگ اسلام ناب محمدی
- ایجاد روحیه نشاط در دانشجویان از طریق توجه به امر ورزش
- کسب رضایت دانشجویان

سطح علمی دانشگاه آزاد مرکز داریون را نسبت به سایر مراکز و واحدها چگونه می‌بینید؟
بحمدلله در حال رشد بوده و ان شاءالله در آینده نزدیک شاهد این خواهیم بود که دانشجویان دانشگاه داریون را به عنوان دانشجویان یکی از دانشگاههای معتبر در انتخابهای خود جهت ادامه تحصیل لحاظ نمایند.

اگر مطلب خاصی دارید بفرمایید.
در بیشتر نظام های آموزشی هنوز کلیه فعالیت ها در قلمرو برنامه ریزی درسی متمرکز است در صورتی که در برنامه درسی طراحی برای فراهم آوردن مجموعه ای از فرصت های یادگیری تعریف شده است.

طرح های ملی برنامه درسی منعکس کننده مدل تیلر بود. مدل تابا بسط مدل تیلر بود:

تشخیص نیازها- فرمول بندی هدفها - انتخاب محتوا - سازماندهی محتوا - انتخاب تجربیات یادگیری - سازماندهی تجربیات یادگیری - تعیین این که چه چیزی ارزشیابی شود و روش و ابزار ارزشیابی.

1.curriculum development
2.curriculum

فریاد کشیدن، موثر نیست

زهرا ترابیان - دبستان ۹ دی

به روشنی، یکی از بدترین انواع برقراری ارتباط فریاد کشیدن است. وقتی فریاد می کشیم نشانه آن است که کسی حرف های ما را گوش نمی دهد، بنابراین صدایمان را بلند می کنیم. وقتی بر سر کودک یا نوجوانمان فریاد می کشیم در واقع به او می گوئیم: به حرف من گوش نمی‌دهی. نتیجه آن می شود که آنها از گوش دادن خودداری می‌ورزند. وقتی فریاد می کشید بچه‌ها گیرنده‌های خود را به روی شما می‌بندند.

مخبره فرمان با فریاد سردادن از این هم بدتر است. معنایش این است که آن‌ها حرف های شما را به درستی نمی شنوند. فریاد کشیدن میان بچه‌ها

فریاد کشیدن به نوعی تهدید کردن است. وقتی فریاد می کشید در واقع می گوئید: بهتر است گوش بدهی، در غیر این صورت! این نوع تهدید کردن به معنای دعوت کودک به اطاعت از پدر و مادر است. با آن که تقاضا کردن به همراه مجازات قرن ها موثر واقع شده است، ولی در دنیای آزاد امروزی کاربردش را از دست داده است. اگر می خواهید فرزندانتان بتوانند آزادانه به رویاهای خود تحقق بخشند، به آن‌ها آزادی برای همکاری بدهید.

برگرفته از کتاب (بچه ها بهشتی هستند) نوشته جان گری

